

یادداشت

لویی جرگه اقتصاددانان ایران

تطفعلی بخشی*

● کشور ما در دشوارترین دوران حیات اقتصادی خویش قرار دارد. از سوی دیگر به دلیل سال‌ها سرمایه‌گذاری در گسترش آموزش عالی، ده‌ها دانش‌کده اقتصاد مستقل و مشترک با سایر رشته‌های علوم انسانی ایجاد شده است که هزاران دانشجو در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در آن به تحصیل علم اقتصاد مشغول‌اند. امروزه تعداد استادان رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها بیش از هزار نفر برآورد می‌شود و تعدادی بیش از آن با درجات تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در رشته اقتصاد در بخش دولتی و خصوصی فعال هستند.بیش از صد نشریه اقتصادی به صورت روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه و نشریات علمی- پژوهشی و علمی- ترویجی در کشور انتشار می‌یابد و سایر نشریات نیز معمولا بخش اقتصادی دارند. علاوه بر آنها، رادیو اقتصاد و رسانه‌های تصویری اقتصادی و صداها گروه اقتصادی در شبکه‌های اجتماعی را باید به این جمع افزود. با وجود چنین گستردگی در آموزش، استادان، کارشناسان و نشریات و رسانه‌های اقتصادی، شاهد آن هستیم که این ظرفیت عظیم کارشناسی برای چاره‌جویی و حل مشکلات و معضلات اقتصادی کشور کمتر به بازی گرفته می‌شوند.امروزه در نشریات و رسانه‌های دیداری، شنیداری و جلسات اقتصادی، مباحث گیج‌انگون و داغی در همه زمینه‌های اقتصاد کشور از سوی کارشناسان اقتصادی با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف مطرح و بحث می‌شود که تنوع آن بسیار گسترده است…

ادامه در صفحه ۸

پدیده طبیعی، فاجعه غیر طبیعی

محمد رضا جعفری

مهندس برق بهره‌برداری از مناطق نفتی

● سیل اخیر در نواحی وسیعی از استان سیستان‌وبلوچستان نشان داد آنچه پدیده‌های طبیعی را در ایران تبدیل به فاجعه‌ای تمام‌عیار در همه ابعاد اقتصادی و انسانی می‌کند، فقر و توسعه‌نیافتگی عمیقی است که در لایه‌لایه مناطق ایران با نسبت‌ها و شکل‌های متفاوت گسترده است. این استان در همه شاخص‌های توسعه‌یافتگی در مقایسه با دیگر استان‌های ایران در رده‌های آخر قرار دارد. برپایه برخی مطالعات، بلاخیزی دارای ریشه مستقیم معنی داری با شاخص‌ها و رشد فقر و رشد نابرابری است (بررسی تجربی نقش بلایای طبیعی در بروز زلزله فقر، علی سعیدوندی و همکاران). هرچه میزان فقر و عدم توسعه‌یافتگی بیشتر باشد، حجم و وسعت خسارات بیشتر و آثار آن درازمدت است. استاندارد سیستان‌وبلوچستان گفته است: میزان شاخص‌های توسعه استان نسبت به متوسط کشوری فاصله زیادی دارد (استاد مهر ۱۳۸۸). طبق آنچه در پژوهش «ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور» (مهدی زنگنه، ۱۳۹۴) آمده، نامطلوب‌ترین وضعیت در شاخص‌های توسعه انسانی؛ شاخص آموزش، شاخص بهداشت و سلامت، شاخص تولید ناخالص سرانه، شاخص ترکیبی توسعه انسانی، در کشور مربوط به استان سیستان‌وبلوچستان است و نابرابری شدیدی در مناطق شهری کشور به‌ویژه در شاخص استاندارد زندگی وجود دارد. شاخص دسترسی به شبکه آب در سیستان‌وبلوچستان ۷۰ است و در روستاها ۴۶ درصد؛ این در حالی است که بنا بر آمارهای وزارت نیرو، میانگین شاخص دسترسی به شبکه آب میان ۳۱ استان ایران ۹۰ درصد و فقط در روستاها ۷۰ درصد است که سیستان‌وبلوچستان اختلافات فاحشی با آن دارد (تسنیم) این‌گونه است که آب آشامیدنی در بسیاری از روستاها منوط به آبرسانی گاه نامنظم با تانکر است یا استفاده از منابع آلوده «هوکت»‌ها.

ادامه در صفحه ۹

خر

شروط ثبت نام طرح ملی مسکن سخت‌تر شد

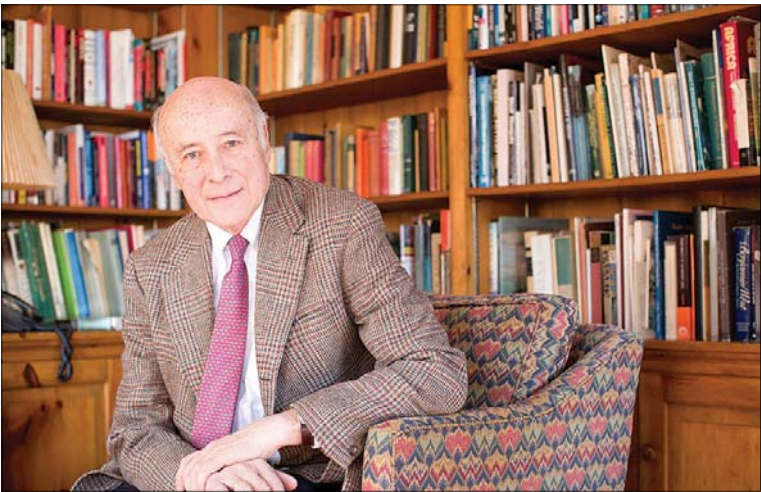
● در حالی وزارت راه چهار شرط را برای ثبت‌نام طرح ملی مسکن اعلام کرده بود که مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن از اضافه‌شدن چند شرط دیگر برای پالایش مناقضان از جمله استفاده از وام تعمیر خیر داده است. به گزارش تسنیم، برنامه اصلاحی با یادآوری اینکه بر اساس پالایش انجام‌شده از مناقضان، سهم ۲۰درصدی صندوق توسعه ملی از افراد واجد دریافت مسکن شناخته و ۴۲ درصد حذف شدند، اظهار کرد: این پالایش بر مبنای بررسی قانون ساماندهی صورت گرفته و متقاضیان نباید از مسکن ۱۳۵۷ تا بعد از تسهیلات بانکی برای تأمین مسکن استفاده کرده باشند. همچنین بر اساس سابقه مالکیت متقاضیان نباید از سال ۸۴ به بعد دارای مسکن باشند. وی با بیان اینکه متقاضیان اگر از تسهیلات خرید، مشارکت یا تعمیر استفاده کرده باشند مورد پالایش قرار می‌گیرند، افزود: در مرحله اول ۲۳۶ هزار متقاضی برای طرح ملی مسکن ثبت‌نام کردند که ۵۸ درصد آنها در مرحله فرم «ج» تأیید شدند. ۸۱ درصد سابقه مالکیت نداشتند.

اقتصاد

چرا اخلاق در سیاست مهم است؟

معرفی کتاب جدید جوزف نای (ژانویه ۲۰۲۰)

کیهان برزرگر، مریم یاشنگ*



بسیاری نوشته‌اند، دیپلمات‌های واقع‌گرای آمریکایی مثل «جورج اف کئان» (پدر دکترین سند نفوذ آمریکا در دور جنگ سرد)، بارها درباره نواقص سنت اخلاقی‌گرا و حقوقی آمریکایی هشدار داده‌اند.

از دیدگاه آنها روابط بین‌الملل شریطی هرج‌ومرج‌گونه دارد و هیچ حکومت جهانی در عرصه بین‌المللی وجود ندارد تا بتواند نظم را در جهان برقرار کند. دولت‌ها باید ملزومات دفاعی خود را به قدر کافی فراهم کنند و زمانی که بقای آنها تهدید می‌شود، آنگاه هدف وسیله را توجیه می‌کند؛ در شرایطی که هیچ‌گونه انتخاب معناداری وجود ندارد، نمی‌توان صحبت از اخلاق کرد. بر این اساس، ترکیب اخلاق با سیاست خارجی، اشتباه است. پس در زمینه قضاوت درباره سیاست خارجی یک رئیس جمهور، باید این سؤال مطرح شود که سیاست خارجی وی تا چه میزانی راهگشا بوده است؟ در این چارچوب، این پرسش که آیا سیاست خارجی وی اخلاقی بوده است یا خیر، تا حد زیادی بی‌معناست.

نای بر این باور است که هرچند این رویکرد دارای مزیت‌هایی است، اما با وجود این، تردیدهای جدی را نیز برجسته می‌کند. فقدان دولتی‌جهانی به معنای نبود نظم بین‌المللی نیست. برخی مسائل و موضوعات سیاست خارجی به بقای دولت‌ها ارتباط دارند. باین‌حال، اغلب آنها هیچ ارتباطی با بقای دولت‌ها ندارند. به‌طور مثال، از زمان جنگ جهانی دوم، آمریکا در جنگ‌های مختلفی شرکت کرده است، درحالی‌که هیچ‌کدام از آنها از منظر بقا برای ایالات متحده آمریکا ضروری نبوده‌اند.

از سوی دیگر بسیاری از انتخاب‌های مهم سیاست خارجی در مورد موضوعاتی مثل حقوق بشر، تغییرات آب‌وهوایی یا آزادی اینترنت، هرگز منجر به وقوع جنگ نمی‌شود. نای می‌گوید بیشتر مسائل سیاست خارجی شامل بده‌بستان امن ازجای‌هایی هستند که باید در مورد آنها انتخاب‌هایی صورت بگیرد و نیازمند به‌کارگیری فرمول سخت و اعتداف‌ناپذیر برای دسترسی به مصالح سیاسی و اقتصادی دولت‌ها نیست.

نای در سراسر کتاب سعی در ارائه تصویری از عملکرد هر رئیس‌جمهور در زمینه استفاده از معیارهای اخلاقی و در نتیجه مسیر تأثیر اخلاق در سیاست بین‌الملل آمریکا دارد. او می‌گوید از نظر عملی در زندگی‌های روزانه ما بیشتر مردم قضاوت‌های اخلاقی خود را از سه بعد ارائه می‌دهند. نیت‌ها، ابزارها و پیامدها. نیت فقط رسیدن به اهداف نیست.

آینده‌نگاری اخلاق

زمان سه رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان بنیان‌گذاران سیاست خارجی این کشور بعد از جنگ سرد یعنی روزولت، ترومن و آیزنهاور می‌پردازد و عملکرد اخلاقی سه رئیس‌جمهور دیگر آمریکا در جنگ ویتنام، یعنی جان‌اف‌کندی، لیندون جانسون و ریچارد نیکسون در بررسی می‌کند. نای به این نتیجه رسید که مهارت جان‌اف‌کندی در حل بحران موشکی ۱۹۶۲ کوبا تحسین‌برانگیز بوده و به او امتیاز بالایی در اخلاقی‌مداری در سیاست خارجی می‌دهد؛ به همین ترتیب، نای نقش اخلاق در سیاست بین‌الملل جرالد فورد و جیمی کارتر را در دوره بعد از جنگ ویتنام و نقش اخلاق در دوران پس از جنگ سرد را در دوره رونالد ریگان و جورج بوش پدر بررسی کرده و معیارهای استفاده از اخلاق در دوره کلینتون و جورج بوش پسر را تجزیه و تحلیل می‌کند. این دوره مصادف با حمله به عراق است و نای اخلاقی‌بودن سیاست خارجی آمریکا در این برهه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نای اعتقاد دارد بوش پسر نیت خوبی داشت، اما به علت آنکه ابزار مناسبی نداشت، اقداماتش به نتایج بد از منظر اخلاقی منجر شد. تغییرات قدرت در نظام بین‌الملل با آغاز قرن بیست‌ویکم مصادف با ریاست‌جمهوری اواما و ترامپ است و نقش اخلاق در سیاست خارجی این دو رئیس‌جمهور نیز بررسی شده است و افزایش احساسات استناکگرایی در امریکای دوران ترامپ و سیاست «آمریکا‌نخست» مورد تأکید او را از منظر پیامدهایی که برای دیگران دارد، مورد تکرار قرار داده؛ هرچند باور دارد این شرایط در دوره‌های قبل نیز وجود داشته است.

نای در بررسی نقش اخلاق در سیاست خارجی رؤسای جمهوری آمریکا نشان داد که آنها به‌طورکامل آسزوی ساختار سیستم محدود نشدند و روابط تا حدودی قدرت انتخاب داشتند. او همچنین بر بی‌عملی و انفعال رؤسای جمهوری آمریکا درباره تحولات سیاست بین‌الملل نیز تأکید دارد و پیامدهای مثبت و منفی را برای بی‌عملی آنها تعریف کرده است. در این زمینه به تمایل «هری ترومن» در پذیرش بن‌بست مجازات سیاسی داخلی در جریان جنگ کره به جای دنبال‌کردن توجیه ژنرال «داگلاس مک آرتور» برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اشاره کرده است. نای بر این باور است که رؤسای جمهور باید برای اجرای یک سیاست اخلاق‌مدار فاکتورهایی را هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه دسترسی به منابع در نظر داشته باشند. نهایتاً نای نتیجه‌گیری می‌کند که در سیاست خارجی، نیت خوب باید با استفاده مناسب از ابزاری که پیامدهای سودآوری برای همه دارد، اتخاذ شود.

نای می‌گوید چگونه می‌توان قضاوت بهتری داشت چون دنیا با تهدیدهای بزرگی مثل جنگ هسته‌ای، تغییرات آب‌وهوایی و… مواجه است. او گزینه‌های سیاست خارجی آمریکا برای آینده را با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از بررسی عملکرد رؤسای جمهور قبلی آمریکا تشریح کرده و در پایان توصیه می‌کند که درباره آینده نظام بین‌الملل نهنته‌ها باید به رقابت آمریکا با چین و روسیه توجه داشت، بلکه تهدیدهایی مثل تجارت غیرقانونی مواد مخدر، بیماری‌های عفونی، تروریسم و جرائم سایبری نیز باید مرکز توجه سیاست بین‌الملل باشند.

- ترجمه این کتاب به فارسی به‌زودی توسط نویسندگان این مقاله منتشر می‌شود.

✦**استاد روابط بین‌الملل**

✦**کارشناس امور بین‌الملل**

یادداشت

پویش آبادانی وبرکت

یاپویش آهن وبتون؟



سیدجلال میرنظامی*

● هم‌اکنون در چهاردهمین هفته از پویش «هر هفته الف-ب-ایران» که به همت رضا اردکانیان، وزیر نیرو، برای پاسخ به مسائل حوزه آب کشور کلید خورده است، قرار داریم. به گفته او، می‌توان از الف و ب تعبیر متفاوتی داشت، مثل آبادانی و برکت. پنجم بهمن‌ماه، آقای اردکانیان در برنامه تلویزیونی نگاه یک که با هدف ارائه دستاوردهای صنعت آب و برق تنظیم شده بود، عنوان کرد که این پویش به دنبال پیشبرد بدون وقفه پروژه‌های صنعت آب و برق کشور است تا نشان دهد در شرایط تحریم، ایران بدون هیچ توقفی می‌تواند در مسیر توسعه حرکت کند. اما این توسعه‌ای که در قالب پویش مزبور پیش می‌رود چقدر با معیارهای توسعه پایدار همسو است؟ برای اینکه توسعه پایدار را بفهمیم، بد نیست به برنامه ایشان که در جلسه رای اعتماد مجلس ارائه شد و اکنون به برنامه «کافزی» وزارت نیرو مبدل شده است مراجعه کنیم.

اردکانیان در برنامه خود که ملهم از تفکرات علمی است، ملزومات گذار از شرایط فعلی به سمت پایداری را در چند مورد ذکر کرده بود: ۱) بازنگری انتقادی در گذشته سیاست منابع آب و انرژی که بلاخض متکی بر سازه‌ها بوده است؛ ۲) تقویت سطح کمی و کیفی دانش مورد استفاده؛ ۳) افزایش مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای تصمیم‌گیری؛ ۴) تعامل نزدیک با نیروهای سیاسی و اجتماعی به منظور جلوگیری از انحرافات آتی در تصمیمات کارشناسی؛ ۵) تعامل گسترده با جامعه به منظور نهادینه‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی متناسب با شرایط خاص آب کشور؛ و نهایتاً ۶) اجماع‌سازی در بالاترین سطوح سیاسی نسبت به ابعاد مختلف مخاطرات ناشی از وضعیت فعلی و ضرورت اتخاذ راهبردهای پایدارساز.

وزیر نیرو در توصیف پویش به مجری برنامه گفت: «ما به سهم خودمان سعی کردیم که هم‌وطنانمان نشان دهیم که این طرح توسعه در شرایط تحریم در حال گردش است … و ما گفتمیم ۲۲۷ پروژه بزرگ را در نیمه دوم سال ۹۸ با سرمایه‌گذاری ۳۳ هزار میلیارد تومان افتتاح می‌کنیم؛ یعنی هزار و ۱۲۴ روستا را وصل می‌کنیم به شبکه پایدار آب…». ۲۹ تصفیه‌خانه فاضلاب را می‌آوریم در مدار، ۱۰ سد بزرگ را افتتاح می‌کنیم و حدود چنده هزار هکتار شبکه‌های آبیاری و زهکشی را افتتاح می‌کنیم».
اکنون که چرخ توسعه قرار است با این پروژه‌ها بچرخد، بد نیست به این فکر کنیم که آیا این پویش که به گواهی گزارش‌های روابط‌عمومی وزارت نیرو، جسم اصلی فعالیت‌های آقای اردکانیان را در این روزها برای حل مسائل آب کشور تشکیل می‌دهد، با رعایت ملزوماتی که خودشان دو سال پیش در جلسه رای اعتماد ارائه کردند هم‌خوانی دارد؟ آیا این پویش برای تأمین مالی پروژه‌های «کافی‌السابق» وزارت نیرو که در بند اول ملزومات مورد نقد قرار گرفته بودند نیست؟ آیا این پویش برای چرخاندن چرخ توسعه کشور با ریتم پایدار کوک شده یا قرار است افتخارات زرین برای ارزیابی عملکرد دولت در جهت مدیریت سازه‌ای را به ارمغان آورد؟ در کنار تماشای این هزینه‌هایی که صرف پروژه‌های تأمین آب می‌شود، برای مدیریت تقاضا چقدر هزینه می‌شود؟ کدام‌یک از ملزومات شش‌گانه‌ای که خود ایشان پیش از انتخاب به‌عنوان وزیر نیرو مطرح کردند در این پویش لحاظ شده است؟

آنچه مجری برنامه تلویزیونی باید از آقای وزیر می‌پرسید، اما آگاهانه نپرسید، این بود: آقای وزیر عزیز که از قضا متخصص و مدرس مدیریت آب هستید؛ با این پویش شما، چقدر از دردهای آبی کشور قرار است دوا شود؟ همین‌طور خوب بود اگر از ایشان می‌پرسید آیا در بستر حکمرانی فعلی که هرکس ساز خود را کوک می‌کند، شما فکر می‌کنید احداث ۱۰ سد بزرگ، ۲۹ تصفیه‌خانه فاضلاب و چندده‌هزار هکتار شبکه‌های آبیاری و زهکشی، موجب کاهش مصرف آب می‌شود یا چه‌بسا ممکن است مصرف آب را افزایش دهد و دردی بر دردها بیفزاید؟

کلمه پویش را باید زمانی به کار برد که قرار است یک دغدغه اجتماعی در اذهان عمومی پررنگ و زمینه‌ساز کنش‌های اجتماعی شود. اما در پویشی که از جنس آهن و بتون است و قرار است قدرت‌نمایی یک وزارتخانه در بریدن رובان‌های متعدد را نشان دهد، عملاً به آن مفهوم جفا کرده‌ایم. امید است مشاوران اجتماعی آقای وزیر بیش از گذشته فعال شوند و معانی کلمات را به ایشان تذکر دهند.

✦ **پژوهشگر آب**

و توسعه دانشگاه صنعتی شریف

تشدید ناترازی منابع بانکی و رشد نقدینگی از عمده‌ترین اثرات بودجه سال

مشاغل (از طریق مواردی مانند افزایش استفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیک و شناسایی حساب‌های بانکی تجاری) به عنوان اصلی‌ترین پایه مالیات بر ارزش‌افزوده در سال آینده لحاظ شده است. همچنین بررسی گزارش‌های آماری شاپریک نشان می‌دهد که ارزش تراکنش‌های صورت‌گرفته از طریق ابزارهای اینترنتی موبایلی و کارخوان در هشت‌ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۸ نسبت به دوره مشابه سال قبل معادل ۱۹/۹ درصد افزایش یافته است. نکته مهم دیگر در زمینه مالیات بر کالاها و خدمات آنکه ارقام مربوط به مالیات بر فروش فرآورده‌های نفت و بنزین برای سال آینده با کمی کاهش مواجه شده است.

در بخش منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که قسمت اصلی آن فروش نفت است علت اصلی کاهش منابع در بودجه سال ۱۳۹۹ نسبت به بودجه سال ۱۳۹۸ انتقال ۳۰۰ هزار میلیارد ریال سهم صندوق توسعه ملی (۱۶ واحد درصد از سهم ۳۶درصدی صندوق) از این بخش به بخش واگذاری دارایی‌های مالی است و در مجموع تغییر چندانی در این بخش از بودجه ایجاد نشده است.

با توجه به آنکه فروش روزانه یک میلیون بشکه نفت برای سال ۱۳۹۹ شیبه به سال ۱۳۹۸ چندین درصد خواهد بود انتظار عدم تحقق منابع این بخش و در نتیجه افزایش میزان نیاز به واگذاری دارایی‌های مالی (انتشار انواع اوراق مالی اسلامی) بسیار محتمل است. در بخش منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی نیز مهم‌ترین تغییر ایجادشده در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ رشد قابل‌ملاحظه فروش اوراق مالی

کوچک‌ترین رقم مالیاتی دولت رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته و اصلی‌ترین دلیل رشد آن نیز مربوط به افزایش مالیات بر نقل و انتقال سهام (از هشت به ۲۲ هزار میلیارد ریال) بوده است. البته این تغییر در افزایش نرخ مالیات بر معاملات نبوده و تنها به دلیل افزایش ارزش معاملات (ناشی از افزایش قیمت سهام) است.

مالیات بر واردات تنها مؤلفه مالیاتی است که برای سال بعد کاهش یافته و احتمالاً به دلیل کاهش نرخ ارز مبنای محاسبات تعرفه‌ای (از ۱۰ به ۸/۵ هزار میلیارد تومان) و همچنین چشم‌انداز کاهش میزان واردات (به‌دلیل مشکلات تحریم و کاهش تقاضای واردات) بوده است. مالیات بر درآمد نیز برای سال آینده رشد نسبتاً محسوسی داشته است اما توجه به اجزای آن نشان می‌دهد

این رشد به شکلی بوده که مالیات کارکنان بخش عمومی (شش درصد)، مالیات کارکنان بخش خصوصی (۳۱ درصد) و مالیات مشاغل و اصناف (۵۱ درصد) افزایش یافته است. تغییرات مالیات اشخاص حقوقی نیز به همین شکل تغییرات ناموزونی داشته به شکلی که مالیات اشخاص حقوقی دولتی (شش درصد)، مالیات شرکت‌های دولتی (منفی یک درصد) و مالیات شرکت‌های غیردولتی (۲۷ درصد) تغییر کرده است.

در گروه مالیات بر کالاها و خدمات نیز تغییرات به شکلی بوده که اصلی‌ترین بخش این گروه یعنی مالیات بر ارزش‌افزوده با رشد ۲۴درصدی مواجه شده است. با توجه به عدم افزایش نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده، به نظر می‌رسد افزایش سهمی از ارزش‌افزوده به دلیل تورم و کاهش فرراهای مالیاتی به شکلی است که مالیات بر ثروت به عنوان